

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

حزب کار ایران (توفان)

۲۰ سپتمبر ۲۰۲۴

نگاهی به اهمیت ژئوپولیتیک به مسأله اوکراین و نزاع کنونی در جهان

آن مؤلفهائی که در شرایط کنونی در منظره سیاسی جهان نقش بازی می‌کنند، عروج چین، پیدایش جبهه اروآسیا در مقابل جبهه امپریالیسم انگلوساکسون یعنی جبهه متحد بریتانیا با امریکاست. این تفاوت را میان اتحادیه اروپائی و انگلستان نیز باید قابل شد، زیرا ممالک المان و فرانسه با درگیری مستقیم با کشور اوکراین موافقت چندانی نداشتند زیرا از این مناقشات بیشترین ضربه را می‌خورند. ۴۰ درصد اقتصاد المان دستخوش ضربات جبران‌ناپذیر می‌گردد و به این جهت تضادهای درون امپریالیستی را که با گذشت زمان و عدم موفقیت و تثبیت دارودسته‌های نازیستی در ادامه حاکمیت در اوکراین تشدید می‌شوند باید مد نظر قرار داد. این تضادها بشدت بروز و آشکار خواهند گردید. از این گذشته امریکا می‌خواهد با قربانی کردن اروپا به تضعیف روسیه برسد. هم اکنون با قطع خط انتقال گاز نورد استریم ۲ و واردات غله از روسیه به المان هم روسیه و هم المان و اروپا به شدت لطمه دیده‌اند. در حالی که با افزایش ۱۰۰ میلیارد یورو بودجه نظامی المان برای خرید تسلیحات و خرید گاز مایع از امریکا به بهای سی در صد گران‌تر از گاز محصول روسیه، ابعاد این رقابت و سیاست ستراتیژیک امریکا بر ملامت می‌شود. این مبارزه در عرصه جهانی و در قلب اروپا تعیین کننده تحولات کنونی جهان ماست. یارگیری‌ها در مناطق جهان بر اساس نیازمندی‌های ملی و امنیتی و بی‌اعتمادی به ناتو و امریکا افزایش خواهد یافت و این برای امریکا مسلماً دارای تبعات مطلوبی نخواهد بود. در این مبارزه همه کشورهای جهان برای این که سقوط نکرده و غرق نشوند، باید مواضع سیاسی و منافع ملی، چگونگی دفاع از تمامیت ارضی و امنیت کشور خود را تعریف کنند و جایگاه سیاسی خویش را در این صحنه نبرد شطرنج جهانی تبیین کرده و بیابند. هر تحولی که در جهان امروز رخ دهد ما باید درجه خلوصش را با شناخت ماهیت تضادها و تأثیرات ژئوپولیتیک همین معیارها محک بزنیم.

پرسش‌ها عبارتند از این که: آیا ما باید به جهان یک قطبی، که جهان قلدری و زورگویی و نقض حقوق ملل و غارت جهان است تمکین کنیم و یا خواهان به هم زدن و جایگزینی این نظم باشیم و از تغییر تناسب نیروهای مؤثر جهانی حمایت نمائیم؟ آیا ما برای استقلال کشورمان باید گریبان خود را از چنگال پول بدون پشتوانه‌ای جهانی به نام دالر خلاص کنیم و یا این که شیشه عمرمان را تا ابد در دست امپریالیسم امریکا قرار دهیم که با چاپ پول بی‌پشتوانه، یعنی ایجاد کاغذ پاره، ثروت‌های کشور ما و دسترنج مردمان ما و سراسر جهان را به امریکا منتقل می‌کند و فربه شود؟ آیا ما باید از نظر سیاسی به اوامر امریکا گوش دهیم؟ طبیعتاً خیر. پس باید این زنجیر اسارت پنهان را پاره کرد و شرط

گسست آن به هم خوردن نظم کنونی با سرکردگی امریکا و ایجاد نظام چند قطبی در جهان است. حرکت در این مسیر، شرایط مناسب تری را برای ادامه مبارزه و شفاف شدن مبارزه طبقاتی و در بقای جهان، بقای ما و سرنوشت ما را به سوی آینده بهتری فراهم خواهد کرد. بر این مبنا ما باید همه تحولات کنونی را با همین معیار محک زینم و سلطه پانصد ساله چرک و خون استعمار غرب را هدف قرار دهیم. حزب پرولتاریا در این مسیر تاریخی بی طرف نیست و برحسب توازن قوا تاکتیک صحیح خود را در انطباق با ستراتیژی استقرار سوسیالیسم اتخاذ می کند.

سیاست امریکا در لحظه کنونی برای تسلط بلامنازع بر جهان، مبارزه با کشور چین، مستعمره کردن مجدد چین، با سیاست تجزیه چین و تبدیلش به اجزاء کوچک نظیر تایوان، هانگ کانگ، تبت و سین کیانگ (ایغورستان)، خفه کردن چین از طریق بستن راه‌های ارتباطی چین از طرق بحری و خشکی با جهان است. این سیاست خفه کردن چین چه از طریق کنترل تنگه مالاکا، کانال سونز و یا گذرگاه باب‌المنند در عرصه بحری هم اکنون در جریان است و جنگ پنهان بیرحمانه‌ای در آسیا و جهان در این جبهه در گرفته است. سیاست امپریالیسم یک‌هتاز امریکا از طریق خشکی ایجاد دشمنی در ایران، افغانستان و آسیای میانه با چین بوده و قطع رابطه ایران با بحیره سیاه و کنترل این منطقه از طریق کنترل آذربایجان، ترکیه و اوکراین است. زنجیره ایران- آذربایجان- ترکیه و اوکراین دیواری است که امپریالیسم امریکا قصد دارد مانند سلسله جبال اورال میان شرق و غرب آسیا و اروپا بکشد. تمرکز بحران‌ها در این ممالک همه ریشه‌های عمیق ژئوپولیتیک و سیاسی برای ترسیم منظره آتی جهان دارند. به همین جهت تلاش ترکیه برای کشیدن دالان زنگزور و جدا کردن ایران از ارمنستان و روسیه با منطق ژئوپولیتیک امپریالیسم انگلوساکسون در فشردن گلوی چین و پیرو آن ایران منطبق بود. بخشی از سرنوشت آتی میهن ما و سرنوشت کل منطقه به همین مؤلفه‌ها گره خورده‌اند. پس می‌بینیم برای خفقان چین باید روسیه را نیز تضعیف کرد، ایران را مهار نمود، آن دیوار ستراتیژیک را میان آسیا و اروپا کشید و ممالک این منطقه را که ایران یکی از آنهاست به زیر سلطه امریکا درآورد. پس بحران اوکراین تنها مسأله روسیه نیست مسأله آینده ایران نیز هست و این آن منطق دیدن جنگ و پرهیز از پنهان گشتن در پشت سر تک درخت است و این آن چیزی است که ما به عنوان بررسی جامع و همه جانبه، علمی و ژرف از آن یاد می‌کنیم.

شکست امریکا، برآمدن چین و هند، اتحاد آسیا در مقابل امریکا و اروپا، سازمان شانگهای، همکاری با ممالک آسیای میانه و قفقاز، نزدیکی به چین، تقویت اتحادیه بریکس و دوری از امریکا و اروپای غارتگر و دروغگو ضمانت های بقای ایران و سایر ممالک کم قدرت در جهان به شمار می آیند. در این عرصه استدلال و واقع بینی، سابقه طولانی و تمام تجربه‌های غارتگرانه همکاری دشمنانه دو سده گذشته با امپریالیسم سلطه‌گر جهانی امریکا و اروپا، در تقویت منطق ما به یاری ما می‌آیند.

در این گیر و دار سرنوشت‌ساز سرکردگی دالر نیز دستخوش تغییرات مهمی می‌گردد. استفاده امپریالیسم امریکا از سلاح خانمان‌برانداز «سویفت» (SWIFT- جامعه جهانی ارتباطات مالی بین بانکی) که به بمب اتوم در عرصه مبادلات مالی مشهور است به مفهوم گرسنگی دادن و جنایات بشری به ضد مردم است و این امری نیست که از چشم ممالک جهان پنهان بماند. امریکا می‌تواند این سلاح ضد بشری را همانطور که در مورد ایران و روسیه به کار برد در مورد سایر ممالک جهان نیز برای به بردگی کشیدن آنها به کار برد. بدون تردید موجی از آمادگی برای سرنگونی دالر و ابطال برتری آن در نزد ممالک جهان و آنها به حمایت آشکار چین، هند و روسیه به وجود خواهد آمد. فراموش نکنیم که اقتصاد اروپا به غله روسیه، مواد اولیه، فلزات نادر که در ساختن ریزپردازنده‌ها و تلفون مورد استفاده است، گاز،

نفت، ذغال سنگ نیاز قطعی دارد. تحریم‌های روسیه اقتصاد اروپا را فلج خواهد کرد. زمان به نفع اروپا نخواهد بود و مسلماً این اتحاد ظاهری و موقتی در هم خواهد شکست. از این تحریم‌ها امریکا فقط سود می‌برد.

حال با این دانش و شناخت، با این چشم انداز و قطب‌نمای روشن باید در دریای متلاطم کنونی به ناخدائی پرداخت و کشتی منافع ملی ایران و آینده سرنوشت مردم مقاوم و صبور آن را به ساحل نجات رسانید. باید با این زمینه علمی و تاریخی به تحلیل اوضاع کنونی پرداخت و نه این که در تار عنکبوت اظهار فضل‌های بی‌انتهای صحتاً یک غاز روشنفکران طالب نام و شغل که هر روز به سازی رقاصی می‌کنند و منافع فردی حقیر خویش را بر منافع میهن و مردم و زحمتکش‌ان ایران مرجح می‌دانند گم شد و چنان بحث کرد که گویا ما خارج از زمان و مکان سخن می‌رانیم. ناگفته نماند که پایگاه‌های آدمکشی امریکا در اطراف ایران که وظایفشان را در افغانستان و عراق و یمن و ترکیه و... انجام داده‌اند و یا می‌دهند واقعی بوده و نه تخیلی و در روی کره زمین قرار داشته و نه در کهکشان رویاهای شیوه زندگی امریکائی. مردم منطقه تا این متجاوزان و غارتگران ناتو را با توسل به قهر انقلابی از منطقه بیرون نکرده‌اند آنها در مرزهای ایران حضور دارند و هر آن مترصد تجاوز رسمی به ایران هستند. عروج چین، مقاومت ایران، پیدایش جبهه مقاومت در منطقه تمام محاسبات و معادلات سیاسی جبهه ناتو را در جهان و منطقه به هم زد.

این است سیمای واقعی جهان کنونی که باید آن را دید و شناخت و بر اساس تحلیل آن به اتخاذ سیاست واقع‌بینانه و به نفع منافع ملی ایران و همه زحمتکش‌ان مورد بررسی قرار داد و به تاکتیک‌های راهگشا، صبورانه و منطقی مبادرت نمود.